

مشکلات اقتصادی را چه کسانی باید حل کنند! ای

حسن روحانی رئیس‌جمهور کشورمان صبح دیروز با حضور در هشتمین جشنواره بین‌المللی فارابی که در سالن اجلاس سران برگزار شد، در جمع اندیشمندان و دانشمندان حوزه علوم انسانی سخنرانی کرد.



حسن روحانی رئیس‌جمهور کشورمان صبح دیروز با حضور در هشتمین جشنواره بین‌المللی فارابی که در سالن اجلاس سران برگزار شد، در جمع اندیشمندان و دانشمندان حوزه علوم انسانی سخنرانی کرد.

وی پس از سخنانی در باب اهمیت و ارزش علوم انسانی و یادآوری ارزش آن در حل معضلات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بدون در نظر گرفتن اینکه در ماه‌های پایانی عمر دولت یازدهم قرار دارد و با فراموشی رفتار خود و زیر مجموعه‌اش با نهادهای علمی و دانشمندان منتقد افزود: مشکل اقتصاد جامعه را چه کسانی باید حل کنند، چه کسانی باید شرایط اقتصادی جامعه را تبیین کنند؟

روحانی که گویا فراموش کرده بود قبلا در چند مرحله اعلام کرده بود از رکود عبور کرده‌ایم و به رشد هفت درصدی و ... رسیده‌ایم، با ابراز نگرانی از مشکلات اقتصادی، اندیشمندان علوم انسانی را مخاطب قرار داد و پرسید: مگر امروز یکی از مشکلات بزرگ ما مسئله اقتصاد نیست، مسئله رشد و رونق اقتصادی نیست، خروج از رکود نیست، علم مدیریت بر دوش کدام رشته‌ها است. مگر این علوم انسانی نیست که بار مسئولیت سیاست‌گذاری و گذاری و شیوه سیاست‌گذاری و چهارچوب سیاست‌گذاری و مدیریت جامعه را بر دوش دارد؟ او البته توضیح نداد که در طول دولت یازدهم، به کدام یک از منتقدین ناسزا نگفته و آنها را به جهنم حواله نداده است که امروز، از آنها برای رفع مشکلی که او و دولتش به وجود آورده کمک می‌خواهد!

روحانی افزود: حتی اگر از اقتصاد و تحول اداری و تحول در سیستم بانکی که امروز یک مشکل بزرگ در جامعه ما است بگذریم و به مسائلی نگاه کنیم که به ظاهر صرفا با دیگر علوم آنها قابل حل و فصل است باز هم باید به این نکته توجه کنیم که علوم انسانی نقش بسیار تأثیرگذاری خواهد داشت.

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنانش اضافه کرد: اگر ما مشکل آب داریم و باید این معضل را حل و فصل کنیم، و منابع آبی را درست مدیریت کنیم و شیوه‌های جدید آبیاری را بیاموزیم که همه این‌ها درست است، همچنین از ذخیره آبی درست استفاده کنیم، از منابع جدید آبی باید برای رفاه مردم بهره‌جوییم اما بدون فرهنگ صحیح برای مصرف آب و مدیریت آب ما می‌توانیم مشکل آب را حل کنیم؟

پیش از این روحانی در مدح و منقبت برجام و ضرورت توافق هرچه زودتر (!) با آمریکا، حل همه معضلات از جمله مشکل آب و منابع آبی را هم به برجام منوط و مشروط کرده بود و ظاهرا اکنون که دستاورد برجام تقریبا هیچ از آب در آمده، به این نتیجه رسیده که می‌توان از توان دانشمندان داخلی هم برای رفع مشکلات استفاده کرد و همه راه‌ها به برجام ختم نمی‌شود!

روحانی بدون ذکری از مشکلات مردم مظلوم خوزستان و در حالی‌که مردم آن خطه در آتش بی‌تدبیری و بی‌هنری دولتمردان و دولت زنان کابینه، به سختی روزگار می‌گذرانند، ناگهان یاد محیط زیست افتاد و اعلام کرد که این مشکلات راه حل علمی هم دارد! وی گفت: اگر محیط زیست ما امروز در غرب، جنوب و شرق کشور مردم ما را گرفتار ریزگردها و آلودگی هوا خاک و آب قرار داده که راه حل‌های علمی دارد و باید به آن بپردازیم ما باید مصرف انرژی‌مان متعادل شود، جامعه ما باید از منابع سوختی سالم استفاده کند. همچنین باید صنعت ما متحول شود که همه این موارد درست است و باید بتوانیم بیابان‌زدایی و کنترل کنیم منابعی که این همه ریزگردها را به جامعه و شهرهایمان می‌کشانند، اما در مسئله محیط زیست بدون تغییر فرهنگ جامعه، اهمیت مسئله محیط زیست و مراقبت مردم، سبک زندگی، کنار گذاشتن وسیله شخصی در حداکثر زمان و استفاده حداکثری از وسایل

عمومی می‌توانیم مسئله را حل و فصل کنیم.

وی البته توضیح نداد این‌ها؛ اما؛ و؛ یی که باید به آن مشکلات بپردازد کیست؟! و چرا در این چهارسال کمترین قدمی برای حل آن مشکلات برنداشته و کار را به جایی رسانده که روز به روز بر حجم و نوع معضلات افزوده می‌شود؟!؛

وی به سیاق اغلب سخنرانی‌هایش با طرح مسئله‌ای که از اساس وجود خارجی ندارد و موضوع و مشکل مردم نیست، و با فراموش کردن این نکته بدیهی که وی رئیس‌جمهور است و مسئول پاسخ‌گویی به سؤالات و مشکلات مردم، باز هم بر کرسی انتقاد و پرسش نشست و تصریح کرد: در این وضعیت مگر می‌شود جامعه را اداره کرد؟ مگر می‌شود مردم احساس امنیت کنند؟ مگر می‌شود مردم احساس آرامش کنند؟ اگر شما صبح به سر کار می‌روید به همان اندازه است که اعتماد به سرمایه اجتماعی دارید. از اینکه از شب گذشته تا صبح قانون عوض نشده است. حاکمان جامعه شما خواب‌زده‌اند؛ نمی‌شوند و به همان نسبت اعتماد دارید که حاکمان جامعه شما متکی به علم، خرد و مشورت هستند و شبانگاه تصمیم فردی نمی‌گیرند.(!)

روحانی سپس بدون یادآوری همه خلف وعده‌های دولت‌های دولتش از ماجرای گشایش صد روزه تا آفتاب تابان برجام که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به سرمایه اجتماعی دولت می‌زند، به بحث سرمایه اجتماعی پرداخت و با بیان اینکه اساس زندگی ما بر مبنای سرمایه اجتماعی است، گفت: اگر این سرمایه اجتماعی آسیب ببیند چه کسی مسئول است و اگر بخواهد تقویت شود بار سنگین آن بر دوش کیست؟ قواعد بازی سیاسی، تبیین و تشریح آن و اقناع مردم بر دوش کیست؟ بر دوش عالمان فیزیک است یا عالمان علوم انسانی؟!؛

رئیس‌جمهور به این نکته بدیهی توجه نکرد که سخن هزاران دانشمند علوم انسانی در دولت وی نادیده انگاشته شد و او و دولت‌مردان، کاری کردند که سرمایه‌های اجتماعی روز به روز کمتر و کمتر شده است.

اخیرا در فضای مجازی فیلمی دست به دست می‌شود که در آن یک شهروند خوزستانی که از بی‌توجهی دولت در موضوع آلودگی هوای جنوب به خشم آمده، خطاب به معصومه ابتکار می‌گوید: «به آقای روحانی بگو رای خوزستانی‌ها را فراموش کن!»؛ این همان سرمایه اجتماعی است که رئیس‌جمهور از آن دم می‌زند!؛

رئیس‌جمهور در ادامه نتوانست ناراحتی و ناخرسندی خود از رای نیابردن هیلاری کلینتون را پنهان کند و در تعبیری عجیب و خلاف منطق دموکراسی، اظهار داشت: اگر بنا باشد در جامعه، قواعد بازی مراعات نشود و اگر فرهیختگان نتوانند افکار صحیح را به مردم منتقل و آنان را قانع کنند، همین وضعی پیش می‌آید که شما امروز در آمریکا مشاهده می‌کنید.

روحانی افزود: امروز در پیش روی فرهیختگان در آمریکا این سؤال است که چطور با داشتن این همه ابزار تبلیغاتی و ارتباطی، این همه دانشگاه و فرهیخته چطور نتوانستند افکار عمومی مردم خود را قانع کنند. این بار بر دوش کیست؟ ظاهرا رئیس‌جمهور انتظار دارند در آمریکا با «مهندسی آرا» مردم به گزینه‌ای رای بدهند که مطلوب دولت یازدهم است هرچند که گزینه واقعی مردم نباشد!

به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور با فراموش کردن همه وعده‌های متعدد و رنگارنگ انتخاباتی، در واپسین ماه‌های دولتش، می‌کوشد شانه از زیر بار مسئولیت خالی کند و پس از سه سال و نیم توهین به همه دانشمندان و متخصصان منتقد، از آنها برای برون رفت از معضلاتی که خود به وجود آورده است راهکار می‌طلبد!؛